



۲۰۱۶/۱/۲۴

عبدالمجید منگل  
دپلومات سابق افغانستان در ملل متحد

## خرابی اوضاع امنیتی افغانستان و موافقتنامه های درازمدت امنیتی و ستراتیژیک

علل و عوامل داخلی، منطقوی و بین المللی اوضاع نابسامان و بحرانی افغانستان درین مدت بیشتر از سه دهه مصیبت بار یقیناً بر هموطنان عزیز ما حالا روشن و اشکار گردیده است. مردم رنج دیده ما شاهد هستند که دوام زیان آور حیات سیاسی و نظامی (تنظیم های ماورای جهاد) که زمینه مساعدی را برای مداخلات دوامدار نظامی و فرهنگی دو همسایه شرقی و غربی ما فراهم نموده چه مصائب و پراگندگی های سیاسی و امنیتی را برای کشور و مردم ما بار آورده است.

با یاد آوری این حقیقت تلخ از ذکر هرگونه تفصیل مزید درین مورد خود داری نموده به تحلیل و ارزیابی (موافقتنامه های درازمدت امنیتی و ستراتیژیک یا مشارکت ستراتیژیک) می پردازم که درین مدت ۴-۵ سال اخیر بین حکومت (سهامی) حامد کرزی رئیس جمهور سابق و حکومت (موزاییک) به اصطلاح (وحدت ملی)، از یکطرف و یکجده اعضای پیمان (ناتو) از قبیل امریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، جرمنی ترکیه، ناروی و نیز بعضی از کشور های منطقه از قبیل هند، ایران، چین و استرالیا، از جانب دیگر به امضاء رسیده است.

بر علاوه این موافقتنامه ها طوریکه میدانیم، یک موافقتنامه عمده دیگر بنام (موافقتنامه دوجانبه امنیتی) با حکومت امریکا فردای تاسیس حکومت به اصطلاح (وحدت ملی) با اشتیاق و بدون معطلی در کا بل به امضاء رسید، در حالیکه آقای (کرزی) رئیس جمهور سابق برای تایید و تصویب موافقتنامه یاد شده یک لوی جرگه ای به اصطلاح (مشورتی) را با مصارف گزاف و بی موجب دایر نمود ولی در اخیر برای جلوه دادن خودش بحیث یک (رئیس جمهور ملی) با موقف و دلایل سوال بر انگیز از امضای آن خودداری نمود.

قبل از تحلیل و ارزیابی این موافقتنامه های ستراتیژیک، بهتر خواهد بود تا تعریف و مفهوم یک موافقتنامه یا معاهده بین المللی را که بین دو یا چند دولت مستقل به امضاء میرسد از نگاه حقوق عمومی بین الدول بیان و بعد به توضیح مفهوم کلمه (ستراتیژی و ستراتیژیک) که تقریباً در عناوین و مواد این موافقتنامه ها بملاحظه میرسد اقدام نمایم: از نگاه اصول و پرنسپ های حقوق عمومی بین الدول که روابط بین دولت ها را تنظیم می نماید یک موافقتنامه یا معاهده عبارت است از: (( یک سند بین المللی که از طرف دو یا چند دولت مستقل مورد توافق قرار گرفته به امضا

رسیده باشد صرف نظر از اینکه موضوع این موافقتنامه یا معاهده چه است ؟ یک موافقتنامه می تواند شامل یک یا چند بن سند باشد ((.

یک موافقتنامه یا معاهده وقتی ستراتیژیک تلقی می‌گردد که در آن طرفین موافقتنامه اهداف مشترک دراز مدت خویش را مشترکاً تشخیص نموده برای نیل و رسیدن به آن راه ها، وسایل و منابع مورد ضرورت را تعیین، تثبیت و پیش بینی نموده باشند. ستراتیژی در حقیقت مانند پلی است که طرفین موافقتنامه برای رسیدن به وسایل، امکانات و منابع مورد نظر جهت نیل به اهداف تعیین شده از آن عبور نموده مورد استفاده قرار می‌دهند.

ستراتیژی اصلاً در مسایل نظامی و پلان گذاری عملیات نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی طوری که میدانیم ستراتیژی در جهان امروز در دیگر ساحات از قبیل پلان گذاری سیاسی، اقتصادی، اداری، مالی و سایر ساحات مورد نظر نیز مورد استفاده قرار گرفته می‌تواند.

تحلیل و ارزیابی موافقتنامه های دراز مدت امنیتی و ستراتیژیک یا مشارکت ستراتیژیک بین حکومت افغانستان و این کشور ها نشان میدهد که تقریباً در همه آنها تفاهات یا برداشت های مشترک طرفین در مورد موضوعات عمده منطوقی و بین المللی از قبیل تحکیم امکانات صلح و امنیت و تقویه همکاری ها برای مبارزه با تروریسم، القاعده و دهشت افگنی و سایر تهدیدات متوجه صلح و امنیت وجود دارد

ازین گذشته کشور های امضاء کننده طی این موافقتنامه ها تعهد نموده اند تا کمک های لازم را با افغانستان در ساحات مختلف آموزشی و بالا بردن سوبیه و ظرفیت نظامی (اردوی ملی) و سایر نیروهای امنیتی کشور و نیز مساعدت در ساحات مختلف مالی، اقتصادی، سرمایه گذاری و امثال آن، بعمل بیاورند. بعبارت دیگر هیچگونه تعهد واضح و یا قاطع درین موافقتنامه ها وجود ندارد که کشور های امضاء کننده افغانستان را در قسمت دفع مداخلات و تجاوزات نظامی و فرهنگی دوامدار کشور های همسایه و یا سایر کشورهای خارجی کمک خواهد کرد .

چون افغانستان مانند کشور های (سوئیس) و (اطریش) یک کشور (بیطرف دایمی) نیست که ممالک امضاء کننده در موقف ((گارانتر)) یا تضمین کننده قرار داشته و مکلف باشند از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور ما حراست و دفاع نمایند. بنابراین با ذکر کلمات سیاسی و دیپلماتیک که بین دولت ها در چنین حالات معمول است از قبیل احترام به استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان در قسمت تطبیق این موافقتنامه ها اکتفاء بعمل آمده است.

بنظر این قلم تنها به اساس و در چوکات مفاهیم مواد (موافقتنامه دو جانبه امنیتی بین افغانستان و دولت امریکا)، افغانستان می تواند در موقع ضرورت رسماً از دولت امریکا تقاضا نماید برای دفع مداخلات و تجاوزات نظامی سرحدی دول همسایه، باوی کمک لازم و عاجل نظامی نماید طور مثال فیر هزاران راکت بر ولایت (کنر) توسط نظامیان پاکستان که باعث تلفات جانی و مالی زیادی گردید ولی متأسفانه حکومت بی کفایت (سهامی) به اصطلاح (وحدت ملی) افغانستان هیچگونه اقدامی متکی بر مفاهیم و تفسیر مواد (موافقتنامه دو جانبه امنیتی) برای دفع چنین تجاوزات آشکارای پاکستان، با حکومت امریکا مطرح کرده نتوانست.

در حالیکه تفاهات ستراتیژیک یا مشارکت ستراتیژیک بین دولت ها برای تعیین اهداف و مقاصد مشترک طویل المدت صلح آمیز و تشخیص منابع و وسایل برای رسیدن به آنها، یک کار مفید است ولی یک حکومت بی کفایت و

یا طرفیکه از یک نظام سیاسی فاسد، پراکنده و (غیر متحد) با دیپلماسی ضعیف و غیر موثر تنظیمی، آنهم در چین سطح پایین، نمایندگی می نماید، نمی تواند چنین موافقات

(مشارکت ستراتیژیک) را به نفع منافع ملی بشمول تقویه و تحکیم امنیت کشور مورد استفاده قرار دهد. با توجه به این حقیقت تلخ، آیا می توان از دولتمردان حکومت کابل پرسید که: آیا توقع ما در آینده ازین موافقتنامه های ستراتیژیک خصوصاً (موافقه نامه دوجانبه امنیتی) با حکومت امریکا در قسمت بهبود وضع امنیتی کشور و دفع تجاوزات آینده نظامی پاکستان و سازمان جنایت کار (ای-اس-ای) بر ولایات شرقی و سایر ولایات کشور چه می باشد؟

آیا کشور های امضاء کننده این موافقت نامه های ستراتیژیک به این عقیده هستند که مانع عمده در برابر تطبیق مواد این موافقت نامه ها، پالیسی تجاوزکارانه و دوگانه پاکستان در برابر افغانستان خواهد بود؟ بنظر من اتخاذ اقدامات آتی می تواند برای بهبود وضع سیاسی و امنیتی کشور مفید و موثر ثابت گردد:

۱- تعدیل قانون اساسی کشور در اولین فرصت آینده و علاوه کردن یک ماده (صریح) در آن، تا مطابق ب ماده مذکور به حیات سیاسی و نظامی زیان آور تنظیم های (ماورای جهاد) قانوناً خاتمه داده شود. چنین اقدام قانونی بدون تردید به استناد جویی های نا جایز این تنظیم ها از نام (جهاد بر حق مردم افغانستان) و (دین مبین اسلام) آنهم کاملاً برای مقاصد شخصی حفظ ویا کسب مقام، شهرت و ثروت خاتمه داده، راه را برای تأسیس احزاب سیاسی مختلفه ملی و ثبات و امنیت کشور، هموار خواهد نمود.

۲- بمنظور بررسی و غوربر نتایج عملی (موافقتنامه های امنیتی و ستراتیژیک) در ارتباط به اوضاع امنیتی افغانستان، عقیده دارم طرف افغانی مکا نیزم تازه ای را به همه امضاء کنندگان این موافقتنامه ها پیشنهاد نماید به این معنی که بعوض (گروپ کار) و (کمیسیون مشترک) که در (موافقتنامه دوجانبه امنیتی امریکا- افغانستان) پیش بینی گردیده و تنها منحصر و محدود به این دو کشور است، جلسات نوبتی (سه ماهه یا شش ماهه) به اشتراک نمایندگان با صلاحیت وزارت های امور خارجه و دفاع همه کشور های امضاء کننده در کابل و یا یکی از پایتخت های کشور های امضاء کننده، دایر گردد.

اشتراک کنندگان در چنین جلسات بزرگتر نوبتی می توانند بر دست آورد ها، مشکلات و اتخاذ اقدامات لازم در ارتباط با تطبیق مواد این موافقتنامه ها، غورنموده راپور چنین جلسات را به توجه حکومت مربوطه خویش برسانند چون (موافقتنامه امنیتی دو جانبه با امریکا) یک قرارداد (سری) نیست، مانعی وجود نخواهد داشت. نمایندگان سایر کشور هایی که با افغانستان موافقتنامه های مشابه امضاء کرده اند با این مکانیزم جدید می توانند در یک بحث جامع و همه جانبه روی مراحل مختلفه تطبیق همه موافقتنامه ها در یک فضای هم آهنگی اشتراک نمایند.

۳- اعاده هرچه زودتر قانون (خدمت مکلفیت اجباری ملی عسکری دو ساله) و تشکیل اردوی ملی جدید بر اساس قوانین مدرن نظامی، نه بر اساس سهمیه های قومی، سمتی و تنظیمی که در تشکیل اردوی موجوده افغانستان و سایر نیروهای امنیتی کشور بکار رفته است. در مدت خدمت دوساله که افراد جلب می شوند وزارت دفاع می تواند پرداخت مدد معاش ماهواری را برای تأمین زندگی فامیل های (افراد جلب شده)، در بودجه عادی خویش شامل نماید.

در حالیکه قربانی ها فداکاری های سربازان (( اردوی ملی)) و منسو بین پولیس و قوای امنیت ملی را خصوصاً بعد از آنکه مسئولیت های امنیتی کشور در سال ۲۰۱۴ به آنها انتقال یافت، احترام گذاشته تقدیر می نمایم و جداً به

این عقیده هستم که تنها پوشیدن (یونیفورم متحد الشكل نظامی) نمی تواند نمایا نگر موجودیت (اردوی ملی) باشد. سربازان اردوی ملی وقتی می توانند از استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و نوامیس ملی کشور شان حراست و دفاع نمایند که قبل از حمل سلاح به (سلاح معنوی وحدت ملی) مجهز باشند. یک اردوی ملی وقتی می تواند در ایفای وظایف و مسولیت های خویش موفق باشد که نه تنها سیاسی نباشد بلکه از سیاست کاملاً دور باشد.

۴- با آغاز تشکیل (حکومات سهامی و تنظیمی) در کابل، افراد و اشخاصی در رأس وزارت امور خارجه و سفارت های افغانی در خارج قرار گرفتند که غیر مسلکی و وابسته به تنظیم های بد نام (ماورای جهاد) بوده اند. این افراد متأسفانه لیاقت، اهلیت و تجربه مسلکی لازم برای انجام وظایف دیپلوماتیک نداشته اند. به استثنای یک عده ای انگشت شمار، اکثریت دیپلمات های تنظیمی موجوده افغانستان، به لسان های عمده بین المللی مانند انگلیسی و فرانسوی به سویه ای که بتوانند مسائل و مشکلات کشور را در تماس های دیپلماتیک با طرف مقابل مطرح و بحث نمایند بلد نیستند. این جفا و بی مسولیتی حکومت (سهامی) در برابر (حیثیت بین المللی افغانستان) غیر قابل عفو است.

پا یینی سویه دیپلوماسی بین المللی افغانستان در چهارده سال گذشته که قسمت عمده آن تشریفاتی بوده است، آنهم در شرایط و اوضاع حساس کنونی که جامعه جهانی در افغانستان حضور همه جانبه سیاسی - نظامی - اقتصادی و ستراتیژیک دارد بدون شک به منافع ملی کشور، خسارات پنهانی و آشکار رسانیده است. ایالت (ورجینیا) اضلاع متحده امریکا

(پایان)